

مطالعه تطبیقی اجتماع جهات تشدید مجازات با جهات مخففه قانونی در قوانین کیفری افغانستان و ایران

زینب الهام^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)

چکیده

در قوانین کیفری افغانستان و ایران جهات مخففه و جهات مشدده پیش‌بینی شده که این موضوع بیانگر توجه مقنن هر دو کشور به اصل فردی کردن مجازات و ابعاد مختلف جرم به منظور تعیین مجازات می‌باشد. اما مسئله اساسی در خصوص جهات مخففه و مشدده، اجتماع این جهات در خصوص یک مجرم می‌باشد. به گونه ای که در اعمال همزمان این جهات، اهداف هیچ یک نادیده گرفته نشود. پژوهش حاضر با استناد به قوانین کیفری افغانستان و ایران، به صورت توصیفی- تحلیلی بدین نتیجه می‌رسد که در قوانین کیفری هر دو کشور امکان اجتماع جهات مشدده و جهات مخففه قانونی وجود دارد و در این خصوص رویکرد قوانین کیفری افغانستان نسبت به ایران از شفافیت بیشتری برخوردار بوده و نحوه تصمیم گیری در افغانستان به صراحت بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: تشدید مجازات، تخفیف قانونی، عذر همکاری، قوانین کیفری افغانستان، قانون مجازات اسلامی

مقدمه

در اثر تحولاتی که در چند قرن اخیر در جوامع پیشرفته پدیدار گردیده، ملاحظه می شود که مبانی حقوق قضایی از جایگاه والایی برخوردار بوده و همواره مورد تغییر و تبدیل قرار گرفته است. به گونه ای که اساس و پایه اعمال مجازات در قرن حاضر با آنچه که در قرون گذشته وجود داشته، متفاوت می باشد؛ زیرا براساس طرز تفکری که مجرم را بیشتر یک بیمار اجتماعی می - داند تا یک عنصر فاسد و ضد اجتماعی، فلسفه مجازات نیز تغییر کلی پیدا کرده و آن را بیشتر عاملی برای اعاده نظم جامعه و تربیت و اصلاح و درمان بزهکار می دانند. [۱]

بنابراین با تغییر فایده مجازات، هدف از مجازات نیز لاجرم تغییر پیدا می کند و برای هدف جدید، روش های نوینی برای مجازات دهی اتخاذ شده و این امر در قوانین کیفری کشورهای مختلف از جمله افغانستان و ایران نیز پیش بینی گردیده است که می تواند بیانگر رویکردی مثبت به متهم در روند دادرسی کیفری باشد.

از جمله این طرق می توان به پیش بینی جهات مخففه قانونی و جهات مشدده مجازات اشاره کرد که بر این اساس می توان گفت که؛ جامعه بر این باور رسیده است که واکنش یکسان در برابر مجرمین امری غیر معقول بوده و باید به منظور اجرای عدالت در احکام قضایی در برابر مرتکبین باید به ویژگی های جرم و مجرم توجه نمود و صرف مجازات برای اصلاح بزهکار و نیز داشتن جامعه ایده آل از لحاظ پایداری به مقررات کفایت نمی کند.

حال با توجه به اینکه احراز جهات تشدید و جهات مخففه قانونی منحصر به پرونده ای خاص نبوده و در خصوص همه بزهکاران امکان دارد؛ لذا موضوع اصلی در این خصوص اجتماع جهات تشدید و جهات مخففه قانونی می باشد؛ زیرا امکان دارد که بزهکار در عین اعمال جهات تشدید از جهات تخفیفی نیز برخوردار باشد و نمی توان با اعمال سلايق شخصی و به دلیل شدت یا نوع جرم ارتكابی، وی را از تخفیف مجازات محروم کرد.

بنابراین مسئله اصلی در این زمینه است که چگونه می توان در عین اعمال تشدید مجازات، جهات مخففه قانونی را در مقطع های مختلف اعم از صدور حکم و اجرای مجازات اعمال نمود که کارکرد هیچ یک بی فایده نباشد. همچنین در این صورت، اعمال کدام یک از جهات بر دیگری مقدم خواهد بود. پاسخگویی به این مسئله است که می تواند در تصمیم گیری بهتر در فرآیند کیفری کمک نموده و از سردرگمی و اعمال سلايق در صدور رای جلوگیری کند.

بنابراین با توجه به مقدمات فوق الذکر؛ پژوهش حاضر درصدد بررسی و پاسخگویی به این سوال است که، اجتماع جهات مخففه قانونی و جهات تشدید مجازات در حقوق کیفری افغانستان و ایران چگونه است؟

۱. مفهوم جهات تشدید مجازات

در حقوق جزا جهات تشدید مجازات، اوضاع و احوالی است که هرگاه جرم در آن اوضاع و احوال واقع شود موجب تشدید مجازات می شود، مانند سرقت در شب یا با اسلحه. یکی از نویسندگان در این خصوص بیان می دارد: «منظور از کیفیات مشدده اعمال و حالات است که برحسب مقررات قانون جزای هر کشور در تشدید مجازات بزه ارتكابی موثر می باشند.» [۲]

همچنین یکی دیگر از اساتید، کیفیات مشدده را نیز به همین مضمون آورده و بیان داشته « تشدید مجازات کیفیات و اوصافی است که قانونگذار تعیین کرده و دادرس به محض احراز آنها به حداکثر و یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد داد.» [۳]

بنابراین به طور کلی؛ کیفیات مشدده جرم عواملی هستند که در صورت وجود این موارد، شدت جرم و به دنبال آن مجازات جرم نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

۱.۱ مصادیق جهات تشدید مجازات

یکی از اصولی که در قوانین جزایی دارای ارزشی چشمگیر می باشد، «اصل عدالت کیفری» است که احکام بسیاری از آن استنباط می گردد که یکی از مصادیق آن، تشدید مجازات و نیز متناسب سازی مجازات با شخصیت مجرم است که این امر در حقوق کیفری کشورها از جمله افغانستان و ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس، امروزه کیفیت و حدود تأثیر عوامل تشدید مجازات، در حقوق عرفی از مباحث قابل توجه و جدی است؛ از نظر جرم شناختی نیز عوامل متعددی در تشدید مجازات دخیل است و شرایط زمانی، مکانی و روانی و... بدون شک فرق بسیاری در میان مجازات افراد ایجاد می کند.

حال از لحاظ جرم شناسی، تأثیری که تشدید مجازات بر افراد دارد، ممکن است باعث کاهش احتمال ارتکاب جرم شود. زیرا فرد قبل از ارتکاب جرم می داند که در صورت انجام رفتار مجرمانه واکنش و تنبیهی از سوی جامعه دریافت خواهد کرد که حتی این واکنش می تواند منجر به محرومیت از برخی حقوق گردد. علاوه بر این، تشدید مجازات می تواند نیازهای جامعه را مورد توجه قرار دهد و ترس و تردید را در ذهن افراد ایجاد کند. زیرا چنانچه رنج تحمل مجازات از لذت تحصیل احتمالی منافع جرم بیشتر باشد، مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم خودداری خواهند کرد.

حال مصادیق تشدید مجازات در سه محور تعدد، تکرار جرم و سردستگی در قوانین کیفری کشور افغانستان و ایران مورد بررسی قرار می گیرد:

۱.۱.۱ تکرار جرم

تکرار جرم از جمله کیفیات عام مشدده است. تکرار در لغت به معنای «دوباره و مکرر، عملی را دو یا چند مرتبه انجام دادن و بارها برگرداندن چیزی» به کار رفته است. اما از لحاظ حقوقی تکرار جرم حالتی است که بر اساس آن مرتکب پس از ارتکاب یک جرم دستگیر و محاکمه شده و در حین تحمل مجازات یا پس از آن، مجدداً مرتکب جرم دیگری شود. [۴]

بنابراین تکرار جرم حالت مجرمی است که سابقه محکومیت جزایی داشته باشد. علت تکرار جرم انس و آشنایی مجرم به ارتکاب جرم است. فضاحت حاصل از ارتکاب جرم موجب نفرت جامعه از مجرم و بزه کاری اوست و همین امر وی را به ارتکاب مکرر جرم سوق می دهد. علمای نئوکلاسیک تشدید مجازات مرتکب تکرار جرم را مورد انتقاد قرار داده اند و از نظر عینی و نفسانی، آن را مخالف عدالت دانسته اند ولی با تکیه به مفهوم فایده اجتماعی، منفعت تشدید مجازات مرتکب تکرار جرم هویدا و آشکار می شود. [۵] این نهاد در کود جزای افغانستان در فصل هفتم تحت عنوان «تکرار در جرم» به کار رفته است. در ماده ۷۹ این قانون، مقنن بیان داشته است:

«شخص زمانی مجرم مکرر شناخته می شود که به اثر ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم به جزا گردیده و بعد از صدور حکم قطعی و قبل از اعاده حیثیت، مرتکب جنحه یا جنایت عمدی دیگری گردد.»

همچنین از دیدگاه مقنن افغانستانی تکرار جرم به دو شکل خاص و عام می باشد که ماده ۸۰ کود جزای افغانستان نیز بیانگر تکرار جرم خاص است. بنابراین در تعریف کلی از این دو نوع تکرار جرم می توان گفت که در تکرار جرم عام، ارتکاب جرایم متوالی از یک نوع برای تشدید مجازات ضروری و لازم نیست؛ اما در تکرار جرم خاص لازمه تشدید مجازات، ارتکاب جرایم از یک نوع می باشد، به عنوان مثال فردی مرتکب سرقت می شود و دو باره مرتکب سرقت شد، تکرار خاص نامیده می شود. [۶]

حال با عنایت به مواد قانونی ۷۹ تا ۸۳ کود جزای افغانستان می توان اوصاف زیر را برای تحقق تکرار جرم برشمرد:

۱. محکومیت سابق بزه کار قطعی شده باشد. لذا بر احکامی که غیرقطعی و قابل شکایت و تجدید نظر است از حیث تکرار جرم ترتیب اثر داده نمی شود.

۲. حکم محکومیت کیفری از دادگاه های افغانستان صادر شده باشد.

۳. قواعد مربوط به تکرار جرم نسبت به احکامی که از دادگاه ها درباره اطفال بزهکار صادر می شود، به اجرا گذاشته نمی شود.

۴. حکم محکومیت قبلی باید از حیث ماهیت بازدارنده یا تعزیری باشد. بنابراین محکومیت قبلی به مجازات هایی، همچون حدود یا قصاص در تشدید مجازات جدید مؤثر نیست.

۵. حکم محکومیت کیفری باید لزوماً به اجرا درآمده باشد.

۶. اگر موجباتی مانند عفو عمومی و یا نسخ قانون محکومیت قبلی را محو یا آثار آن را بزدايد، چون دیگر محکومیتی وجود ندارد و یا هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست قواعد تکرار جرم شامل جرم تکراری نخواهد شد.

در خصوص مجازات تکرار جرم، قانونگذار به دادگاه اختیار داده است تا در صورت لزوم، مجازات تعزیری تکرارکنندگان جرم را تشدید کند. تشخیص لزوم تشدید مجازات و نیز مقدار آن به عهده دادگاه گذاشته شده است.

حال قانونگذار افغانستان، موارد تکرار جرم را در کود جزاء پیش بینی نموده است؛ اما برخلاف گذشته که مجازات تکرار جرم را به طور مستقل بیان نکرده نبود و مجازات با توجه به بخش عمومی تعیین می گردید در اصلاح کود جزا در سال ۱۳۹۶ در ماده ۸۳ به بیان مجازات متکرر جرم پرداخته است. این ماده مقرر می دارد:

مجرم متکرر به مجازات ذیل محکوم می گردد:

۱. در جرایم تکرار خاص؛ مرتکب به مجازاتی که از دو برابر حداکثر مجازات اصل جرم، بیشتر نباشد.

۲. در جرایم متکرر عام؛ مرتکب به مجازات حداکثر یک و نیم برابر مجازات اصل جرم.

همچنین در قانون مجازات عمومی ایران مختصات تکرار جرم عبارت است از موقتی بودن آثار آن، عام بودن آن، اجباری بودن آن، تصاعدی بودن آن و عطف بماسبق شدن قواعد مربوط به آن. همچنین شرایط تشدید مجازات تکرار جرم در مورد پیشینه کیفری عبارت است از قطعیت محکومیت، انقضاء مدت مجازات، عمومی بودن جرم و محکومیت بر طبق دادنامه صادره از دادگاه ایرانی.

تشدید مجازات تکرار جرم منوط است به اینکه ارتکاب جرم اخیر در مدت معینی باشد و همچنین میزان تشدید بسته به این است که سابقه کیفری تا سه فقره یا بیشتر از آن باشد. بنابراین کسی را مرتکب تکرار جرم گویند که سابقه محکومیت جزایی داشته باشد.

بنابراین نهاد تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی در فصل ششم تحت عنوان «تکرار جرم» از مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹ مورد اشاره قرار گرفته است. بر اساس مقررات این فصل در صورت احراز شرایط تکرار جرم، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.

۲.۱.۱ تعدد جرم

هرگاه شخصی مرتکب جرایم مختلف و متعدد شده باشد؛ ولی جرایم مزبور کشف نشده و یا به هرنحوی مجرم نسبت به هیچ یک از آنها محکومیت قطعی نیافته باشد، تعدد جرایم مصداق پیدا می کند. گاهی شخصی با فعل واحد، قوانین متعدد جزایی را نقض می کند و گاهی با افعال متعدد قوانین متعدد جزایی را نقض می کند، اولی را تعدد اعتباری یا معنوی و دومی را تعدد واقعی می نامند. [۷]

بنابراین تعدد جرم حالتی است که بزهکار یا جرایم فراوانی را در کنار هم یا با فواصل معین و غیرمعین انجام می دهد، بی آنکه هیچ یک از آنها به مرحله صدور حکم یا اجرا رسیده باشند و یا با عمل واحد چند عنوان مجرمانه را به عهده می گیرد و یا چند نتیجه از عمل واحد او ایجاد می شود.

این نهاد در کودجزای افغانستان در فصل هفتم با سرفصل «تعدد جرایم و تاثیر آن در جزاء» از مواد ۱۵۵ تا ۱۶۰ و در قانون مجازات اسلامی نیز از مواد ۱۳۱ تا ۱۳۵ به این نهاد اشاره شده است.

این جهت طبق کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی به دو قسم تعدد مادی و معنوی تقسیم شده است.

الف- تعدد مادی جرم

در تعدد مادی یا واقعی مرتکب اقدام به چند عمل مادی مستقل از همدیگر می کند به گونه ای که در فواصل ارتکاب جرم هیچ حکمی در رابطه با جرم نخستین وی صادر نگردیده باشد. به عنوان مثال فردی هم اقدام به جعل پول و هم تقلب اسناد دولتی می نماید بدون اینکه حکمی از سوی مقامات قضایی برای یکی از جرایم وی صادر گردیده باشد.

از دیدگاه حقوقدانان افغانستانی تعدد مادی جرم به سه دسته قابل تقسیم است:

- تعدد جرائم غیرمرتبط دارای اهداف متعدد؛ در این نوع تعدد، هر جرمی با رفتار مجرمانه خاص خودش ارتکاب می یابد و هر جرمی دارای عنصر مادی مستقل است و افزون بر این، این گونه جرایم هیچ ارتباطی با هم ندارند و مجرم در ارتکاب آنها هدف واحدی را دنبال نمی کنند بلکه در ارتکاب هر جرم هدف مستقلی را تعقیب می کنند. مانند اینکه شخصی به هدف انتقام گیری، دشمن خود را به قتل برساند و بعد از چند روز جرم دیگری که هیچ ارتباطی با جرم قبل ندارد، مرتکب شود.

- جرائم متعدد مرتبط دارای هدف واحد؛ در این نوع تعدد، هر جرمی دارای فعل مجرمانه خاص خود می باشد و مرتکب برای تحقق آنها افعال متعددی را ارتکاب می یابد اما باید توجه داشت که مجرم در ارتکاب این جرایم؛ هدف واحدی را تعقیب می کند. یعنی این جرایم متعدد از انگیزه یکسانی ناشی می شود. مانند اینکه مأمور خدمات عامه سندی را تزویر (جعل) نماید تا بتواند مالی را اختلاس کند.

- جرایم مرتبط غیرقابل تجزیه؛ منظور از ارتباط غیرقابل تجزیه جرائم این امر می باشد که جرائم متعدد به گونه ای ارتباط استواری داشته باشد که در ظاهر مسئله جرم واحدی به شمار آید و ارتکاب برخی بدون ارتکاب برخی دیگر قابل تصور نباشد؛ یعنی جرائم متعدد ناشی از یک برنامه مجرمانه یکسانی باشد که دخالت هریک مکمل این برنامه واحد است؛ مانند اینکه موظف (مأمور) خدمات عامه، ابتدا مالی را اختلاس نموده و سپس سندی را تزویر (جعل) کند تا اختلاس خویش را مخفی کند. در این مثال، جعل سند هدف اختلاس نیست؛ بلکه با اختلاس ارتباط دارد.

در خصوص این نوع از تعدد ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی به بیان احکام آن پرداخته است. بر اساس این ماده اولاً؛ فعل مادی باید متعدد باشد. ثانیاً؛ جرم ارتكابی متعدد باشد اعم از اینکه جرم یکسان باشند یا متعدد. برای نمونه چند فقره سرقت یا یک فقره سرقت، یک مورد کلاهبرداری و یک مورد اختلاس مرتکب شده باشد.

بنابراین به طور کلی می توان گفت که؛ تعدد مادی، واقعی یا حقیقی عبارت است از اینکه شخص، چند جرم جدای از هم را در زمان های متفاوتی مرتکب می شود، بدون اینکه یک محکومیت قطعی بین آنها فاصله شده باشد. اعم از اینکه مرتکب توانسته باشد با توسل به هر روشی خود را از تعقیب کیفری در امان نگه دارد یا اینکه ارتکاب جرایم متعدد در فاصله کوتاهی از هم، مانع تحت تعقیب قرار گرفتن وی در نتیجه صدور حکم محکومیت قطعی شده باشد.

ب- تعدد معنوی جرم

این نوع تعدد را تعدد اعتباری نیز می گویند که فعل واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد است. به عنوان مثال شخصی با امضای سند رسیدی به نام صاحب سند جعل و از بدهکار او وجه آن را دریافت می کنند؛ این کار از یک طرف از مصادیق جعل و از طرف دیگر از مصادیق کلاهبرداری است و یا این که فردی امضای یکی از مقامات رسمی را جعل نماید؛ از یک سو این عمل به عنوان جعل امضای مقام رسمی دولت مطرح است و از سوی دیگر عمل وی یکی از مصادیق دخالت در وظایف رسمی دولتی بدون داشتن سمت قانونی محسوب می گردد. [۸]

در خصوص این نوع از تعدد ماده ۷۶ کود جزای افغانستان مقرر می دارد: «هرگاه از ارتکاب فعل واحد، جرایم متعدد به وجود آید، مرتکب به جزای جرمی محکوم می گردد که جزای آن شدیدتر باشد. در صورتی که جزای پیش بینی شده مماثل هم باشند، محکمه به یکی از آنها حکم می کند.»

همچنین ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، تعدد معنوی را حالتی می داند که در آن رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد. این ماده چنین مقرر می دارد: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می گردد.» در واقع؛ در تعدد معنوی، تعدد جرم وجود ندارد، بلکه جرم واحد است که باید وصف صحیح آن پیدا شود. برای نمونه می توان به جرم استعمال مشروبات الکلی در اماکن و معابر عمومی اشاره نمود که بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، مرتکب از باب تشدید مجازات به مجازات اشد محکوم می گردد.

۳.۱.۱ تعدد نتیجه

مقصود از تعدد نتیجه آن است که بزهکار مرتکب یک عمل مجرمانه می گردد، اما از رفتار او چند نتیجه مجرمانه حاصل می شود. لذا در تعدد نتیجه رفتار ارتكابی مرتکب واحد است، اما نتایج حاصل از این رفتار، متعدد می باشد. در واقع؛ وحدت در رفتار ارتكابی و تعدد در نتایج مجرمانه وجود دارد. در این خصوص بند چ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: در صورتی که در جرایم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل گردد، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می گردد. مثال بارزی که در این مورد می توان گفت این است که کسی با یک عبارت به دو نفر فحاشی کند یا شخصی عمداً با پرتاب نارنجک در یک پمپ بنزین موجب ایجاد حریق، قتل، تخریب و اخلاص در نظم گردد.

۴.۱.۱ سردستگی (سازمانده)

گاهی مباشر فعل مجرمانه تنها یک شخص نیست. بلکه ارتکاب جرم به شیوه سردستگی گروه مجرمانه به صورت سازمان یافته به سرپرستی یک یا چند نفر انجام می شود و سردسته یا رئیس گروه نقشه فعل مجرمانه را طراحی کرده و بستر را برای انجام جرم ایجاد می کنند و سه یا چند نفر تحت سردستگی این شخص افعال مجرمانه انجام خواهند داد. این افراد به عنوان زیر دست و جیره گیر سردسته مرتکب جرم خواهند شد. در این خصوص کود جزای افغانستان در ماده ۶۰ به تعریف سازمانده پرداخته و مقرر می دارد: «سازمانده شخصی است که گروه سازمان یافته جرمی را تشکیل، رهبری، هدایت یا سازماندهی نماید.»

همچنین مقنن در ادامه و ذیل ماده ۶۱ در تعریف گروه سازمان یافته بیان می دارد: «گروه سازمان یافته جرمی عبارت است از تشکل نسبتاً منسجم سه نفر یا بیش از آن، که به صورت منظم به هدف ارتکاب یک یا چند جرم، جنایت یا جنحه، جهت حصول مستقیم یا غیرمستقیم منفعت فعالیت نماید.»

بنابراین تشکیل گروه های منسجم و ارتکاب جرم در قالب سردستگی به عنوان خطرناک ترین شکل ارتکاب جرم می باشد که در حقوق داخلی کشورها نیز دقت زیادی را از سوی مقنن به خود معطوف داشته و منجر به سخت گیری در مجازات آن شده است.

در خصوص سردستگی تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی به تعریف سردستگی پرداخته و مقرر داشته است: «سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.»

در این تبصره منظور از طراحی؛ تعیین ساختار گروه مجرمانه است اما تشکیل گروه مجرمانه عبارتست از: تاسیس و ایجاد گروه مجرمانه که از طریق ایجاد گروه مجرمانه و عضوگیری صورت می گیرد. لذا عضوگیری در صورتی که منتهی به تشکیل گروه مجرمانه نگردد و گروه قبلی را گسترش دهد، از مصادیق سردستگی نمی باشد. [۹]

همچنین سازماندهی به معنای آن است که وظایف هر عضوی در گروه مشخص و معین شود. در این راستا با توجه به توانایی ها و استعداد های هر عضوی، وظایف گروه مجرمانه فی مابین آنان تقسیم می شود.

اداره کردن نیز به معنای نظارت کردن بر عملکرد سایر اعضای گروه و ارائه راهکارهای لازم در جهت بهبود امور است.

بنابراین با توجه به تشدید مجازات سردهسته بند ۲ ماده ۶۰ کود جزای افغانستان مقرر می دارد: «سازمانده به یک و نیم برابر حداکثر مجازات جرم مرتکبه محکوم می گردد. مشروط بر اینکه مدت حبس از سی سال تجاوز ننماید.»

همچنین ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی درباره تشدید مجازات سردهسته بیان می دارد: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردهسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم گردد.»

بنابراین سردهسته به عنوان مغز متفکر در ارتکاب جرم می باشد که ضمن زدودن، قباحت عمل مجرمانه در سایر مداخله کنندگان انگیزه ارتکاب می نماید و همین موضوع، زمینه تشدید مجازات وی را فراهم می کند.

۲. مفهوم جهات مخففه قانونی و انواع آن

۱.۲ مفهوم جهات مخففه قانونی

جهات مخففه قانونی از نظر اصطلاحی؛ تخفیف هایی است که دادگاه در صورت وجود کیفیات و شرایطی که قانون پیش بینی نموده است، مجبور به اعمال آنها می باشد و عدم اعمال آنها تخلف قاضی محسوب می گردد. [۱۰]

یکی از حقوقدانان در این رابطه معتقدند: «گاهی کیفیت و شرایط ارتکاب جرم معین و نیز وضع روحی و اجتماعی مرتکب به نحوی است که مقتضی تخفیف در مجازات مرتکب می باشد. علل و جهاتی که مجوز تخفیف مجازات در بعضی جرایم خاص است، معاذیر قانونی تخفیف مجازات نامیده می شود. اجرای معاذیر قانونی تخفیف دهنده مجازات برای دادگاه الزامی است. به-

طوری که مرجع قضایی ناگزیر است مجازات را به میزان تعیین شده تقلیل دهد. معاذیر قانونی مزبور فاقد جنبه کلی و عمومی بوده و منحصرأ به جرم خاصی مربوط می شود.» [۱۱]

لذا تخفیف مجازات از میزان تقصیر و مسئولیت بزهکار هیچ گاه کم نمی کند بلکه تخفیف اعطایی، پاداش مساعدت و همکاری بزهکار در کشف جرم و یا جبران و تلاش بزهکار در ترمیم آثار زیان بار و صدمات احتمالی ناشی از جرم است. گاه مقنن از جهت عواطف و احساسات مهرآمیز بزهکار در ارتکاب جرم، او را معذور و مستحق تخفیف می داند. همه جهات مذکور و موجباتی که احصاء آنها چندان هم آسان نیست در تقلیل میزان مجازات مؤثرند و هر یک مصلحتی را تأمین می کنند که این امر در حقوق کیفری افغانستان و ایران قابل مشاهده است.

۲.۲ انواع جهات مخففه قانونی در قوانین کیفری افغانستان و ایران

۱.۲.۲ عذر همکاری

گاهی در فرآیند کشف جرم تا صدور حکم، همکاری متهم می تواند در شناسایی سایر عوامل مداخله گر در ارتکاب جرم و نیز ابعاد دیگر جرم موثر باشد. به همین دلیل عذر همکاری به عنوان یکی از جهات مخففه قانونی در حقوق کیفری افغانستان و ایران پیش بینی شده است. برای نمونه در خصوص عذر همکاری، مواد متعددی در قانون مجازات اسلامی ایران وجود دارد که یکی از این مواد مربوط به جعل و تزویر می باشد. ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مقرر می دارد: «اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده اند، هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آنها را فراهم نمایند، حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می شود و یا از مجازات معاف خواهند شد.»

همچنین بند ۸ ماده ۲۱۳ کود جزای افغانستان نیز بیان می دارد: «... اعتراف یا اقرار متهم به ارتکاب جرم و ابراز ندامت جدی وی به نحوی که در تثبیت واقعیت قضیه یا معرفی بازداشت یا گرفتاری شرکا یا معاونین جرمی، مساعدت نماید.» لذا بر اساس این بند، مقنن در برخی موارد تخفیف مجازات مجرم را به دلیل همکاری و تسهیل فرآیند تعقیب و کشف و شناسایی سایر ابعاد جرم پیش بینی می نماید.

همچنین بند ۲ ماده ۱ قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان مقرر می دارد: «هرگاه تبعه جمهوری دموکراتیک افغانستان که قصد ارتکاب جرایم مندرج در این ماده را داشته یا با اکراه به ارتکاب آن جرایم کشانیده شده باشد قبل از ارتکاب و تعقیب، داوطلبانه به مقامات دولتی اطلاع دهد، از مجازات معاف می گردد.»

پس با توجه به ماده فوق الذکر، هرگاه مرتکب جرم با حسن نیت و در راستای یاری کردن مقامات قضایی در کشف جرم، شناسایی سایر زنجیره های ارتکاب جرم از قبیل معاون، شریک و... همکاری نماید مشروط به تصریح مقنن، از جهات مخففه قانونی برخوردار شده و اعمال این نهاد به اختیار و صلاح دید مرجع قضایی نمی باشد.

۲.۲.۲ عذر ترک جرم

قانونگذار بعضی مواقع ترک جرم و ادامه ندادن جرم را از موارد تخفیف می داند. چرا که این فرض می تواند بیانگر پایین بودن خطر مجرم برای جامعه و نیز قابلیت اصلاح او باشد. برای نمونه؛ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، برای جرم بازداشت یا حبس غیرقانونی اشخاص، مجازات حبس (یک تا سه سال) یا جزای نقدی (شش تا هیجده میلیون ریال) را مقرر کرده است. (ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات)

همچنین ماده ۵۸۵ همین قانون؛ قول تخفیف مجازات به مرتکبانی که جرم را ترک کنند به این شرح بیان شده است: «اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی را به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را بیشتر از پنج روز همراهی نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود.»

در این خصوص ماده ۵۱ کود جزای افغانستان مقرر می دارد: «شخصی که به اراده آزاد از ارتکاب عمل جرمی انصراف نماید، مسئولیت جزایی ندارد.»

۳،۲،۲ عذر خانوادگی

در برخی مواقع فرد، مرتکب جرمی می شود که به دلیل اینکه فرد با دیگری که یک طرف قضیه می باشد، چون خویشاوند است، از تخفیف مجازات به شکل قانونی برخوردار می شود. مانند تبصره ذیل ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات آمده است که: در موارد مذکور در ماده ۵۵۳ و این ماده؛ اخفاء متهمان و مساعدت در فرار و خلاصی آنان از چنگال عدالت جرم می باشد، در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد، مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود. [۱۲]

همچنین بند ۳ ماده ۲۹ قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان به صراحت این امر را به منزله جهت تخفیف قانونی پذیرفته است. این بند مقرر می دارد: «در حالت اخفاء و عدم اطلاع شوهر، زن، اطفال و والدین مورد تعقیب جزایی قرار نمی گیرد.»

در واقع پیش بینی جهات مخففه قانونی به دلیل عذر خانوادگی علاوه بر تطبیق با اصل فردی کردن مجازات ها، با رویکرد منطقی و عقلی نیز سازگار می باشد. چرا که به طور بدیهی اگر شخصی مرتکب جرمی شود خانواده او در صدد نجات و رهایی وی خواهد بود، هر چند که این مسئله به لحاظ قانونی مقبول نیست.

۴،۲،۲ عذر اعانت

منظور از اعانت یاری کردن یا کمک کردن می باشد که قانونگذار عذر اعانت یا کمک کردن را بیشتر در جرایم رانندگی پذیرفته است. [۱۳] طبق تبصره ۲ ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی تعزیرات؛ هرگاه راننده متخلف، مصدوم را به نقایطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مامورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند، دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.

همچنین عینیت یافتن عذر اعانت را می توان در دادنامه قطعی به تاریخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۶ مشاهده کرد که بیان می دارد که؛ در صورت احراز جهات مخففه، دادگاه مجازات را بر اساس ماده ۷۱۸ و ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی تعزیرات تخفیف می دهد. همانند حقوق کیفری ایران، در این خصوص قانون ترافیک جاده افغانستان در ماده ۳۵ مقرر می دارد:

۱. شاملین حادثه ترافیکی مکلفند بعد از وقوع حادثه توقف نمایند؛ مگر اینکه نسبت به معاذیر معقول عجلتاً محل حادثه را ترک نمایند. در این صورت مکلفند چگونگی موضوع حادثه را هر چه زودتر به پلیس اطلاع و توضیح بدارند.

۲. راننده واسطه نقلیه که مرتکب حادثه ترافیکی گردیده در صورت وقوع جرح مکلف است با مجروحین کمک های لازم بنماید و عنداللزوم آنان را به شفاخانه یا مراکز صحتی انتقال دهد.

بنابراین با توجه به ماده فوق الذکر و نیز دقت در ماده ۲۱۳ کود جزای افغانستان می توان گفت که تجویز ترک محل حادثه به منظوری یاری کردن مصدومین مورد تاکید مقنن بوده و برای تقویت این مسئله و نجات جان مصدومین، از آن به عنوان جهات مخففه قانونی یاد کرده است.

۳. اجتماع جهات تشدید مجازات و جهات مخففه قانونی

با توجه به مصادیق جهات تشدید مجازات و جهات مخففه قانونی در قوانین کیفری افغانستان و ایران، مسئله اصلی که در خصوص این جهات مطرح می باشد، اجتماع این جهات با یکدیگر و نیز نحوه پیش بینی مقنن در این خصوص می باشد. حال در ادامه این موضوع به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱.۳ وجود جهات مخففه قانونی و تعدد جرم

گر چه تعدد جرم از علل تشدید مجازات است و علت آن بروز حالت خطرناک در متهم برای ارتکاب جرایم بعدی است، با وجود این؛ اعمال کیفیات مخففه در فرض تعدد جرم ممکن به نظر می رسد. زیرا تربیت مجدد، بازگشت به اجتماع و همچنین ممانعت از ارتکاب جرایم متعدد بزهکاران ایجاب می نماید که قاضی با مطالعه شخصیت و اوضاع و احوال فردی و اجتماعی، مجازات قانونی آنها را فردی نموده و مجازات هایی را منطبق بر شخصیت، روحیه، اخلاق و شرایط آنها انتخاب نماید. [۱۴]

در کود جزای افغانستان با توجه به اینکه در فصل ششم، مقنن به بیان مقررات تعدد جرم پرداخته و مقررات حاکم بر این نهاد را بیان کرده ولی در هیچ یک از مواد مذکور در این فصل به اجتماع جهات مخففه قانونی با تعدد جرم و نحوه عملکرد مرجع قضایی اشاره نکرده است و صرفاً در ماده ۲۱۱ کود جزای افغانستان به بیان کلی مقررات اجتماع احوال مشدده با جهات مخففه اشاره کرده است. این ماده مقرر می دارد:

۱. هرگاه معاذیر قانونی، احوال مخففه و مشدده قضایی در یک جرم جمع شود، محکمه اولاً احوال مشدده، بعداً معاذیر مخففه و اخیراً احوال مخففه قضایی را رعایت می نماید.

۲. هرگاه احوال مشدده معادل احوال مخففه و معاذیر قانونی باشد، محکمه می تواند بدون نظر داشت حالات مندرج فقره (۱) این ماده، به جزای پیش بینی شده جرم، حکم نماید.

۳. هرگاه احوال مشدده یا مخففه یا معاذیر قانونی دارای اثرات متفاوت باشد، محکمه می تواند به منظور تامین عدالت، قوی ترین آن را ترجیح دهد.

حال با توجه به ماده فوق الذکر می توان گفت که اولاً؛ اطلاق واژه «احوال مشدده» در این ماده می تواند بر تعدد جرم دلالت کند؛ زیرا تعدد جرم یکی از اقسام تشدید مجازات می باشد و مقررات کلی مبحث احوال مشدده شامل تعدد جرم نیز می گردد.

ثانیاً؛ ماده ۲۱۱ کود جزای افغانستان تحت عنوان «احکام عمومی تعیین جزا» ذکر شده است. بنابراین تعدد جرم نیز یکی از نهادهای کاربردی در مرحله تعیین جزا می باشد. پس می توان گفت که مقررات اجتماع احوال مشدده و جهات مخففه شامل تعدد جرم هم می شود.

همچنین با توجه به اطلاق واژه «احوال مخففه» به نظر می رسد که این اصطلاح شامل جهات مخففه قانونی می شود؛ لذا از دیدگاه مقنن کود جزای افغانستان، در صورت احراز اجتماع جهات (معاذیر) مخففه قانونی در فرض تعدد جرم بر اساس بند ۱ ماده ۲۱۱ ابتدا مجازات مرتکب تشدید و سپس احوال مخففه قانونی اعمال می گردد.

بر اساس کود جزای افغانستان اقدام شایسته این است که؛ مقنن به روشنی شرایط اعمال و جمع جهات مخففه و تعدد جرم را بیان کرده و این عملکرد مقنن زمینه هرگونه اعمال سلیق شخصی را نیز از بین برده است.

اما در مقابل نظر دیگری که در این خصوص می توان ارائه نمود، این است که تعدد جرم یکی از نهادهای قانونی، تشدید مجازات می باشد که در ذیل ماده ۲۱۱ کود جزای افغانستان ذکر نشده و با این دیدگاه نمی توان تخفیفی در صورت تعدد جرم اعمال نمود که به نظر می رسد با رویکرد اصلاح و بازپروری بزهکاران متعارض باشد. [۱۵]

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۹؛ مقنن در ماده ۱۳۴ به بیان مقررات تعدد جرم و نیز اعمال جهات مخففه پرداخته است.

بند خ ماده ۱۳۴: در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

با توجه به نص تبصره فوق‌الذکر و ذکر عبارت «دادگاه می‌تواند» به نظر می‌رسد که در تعدد جرم امکان اعمال جهات مخففه قانونی و قضایی وجود دارد و نمی‌توان به سادگی مرتکب را از تخفیف قانونی محروم نمود. بنابراین با جمع قواعد عمومی جهات مخففه و نیز مقررات تعدد جرم می‌توان نتیجه گرفت که اجتماع آنها ممکن است. اما نکته قابل توجهی که در مقایسه با کود جزای افغانستان این است که در قانون مجازات اسلامی در هیچ قسمتی مقنن مقررات اجتماع جهات مخففه و تعدد جرم را بیان نکرده است.

لذا در عمل این مسئله می‌تواند منجر به تضییق حق مجرمین شود. چرا که در این صورت قضات بنا به سلايق شخصی خود به اعمال جهات مشدده و جهات مخففه قانونی اقدام می‌نمایند.

بنابراین به تبع از شیوه پیش‌بینی شده در کود جزای افغانستان تشدید مجازات و سپس اعمال جهات مخففه قانونی در این فرض منطقی بوده و به تحقق اهداف و کارکردهای تخفیف مجازات نیز می‌تواند کمک نماید.

۲,۳ وجود جهات مخففه قانونی و تکرار جرم

تاثیر انواع مجازات‌ها و کیفیت اجرای آنها در افزایش یا کاهش زمینه‌های تکرار جرم، غیرقابل انکار است. بدیهی است که حس بیگانگی، کینه و حتی نگاه دشمن‌مدارانه به جامعه در نتیجه اجرای مجازات‌های ترهیبی-ترذیلی و کیفرهایی است که بسترهای بازاجتماعی شدن بزهکاران را در معرض خطر قرار می‌دهند. [۱۶] بنابراین به منظور ساماندهی تعیین کیفر در بزهکاران، مقنن تکرار جرم و مقررات آن را به صورت واضح مشخص کرده است.

اما سوالی که با بررسی نهاد تکرار جرم به ذهن می‌رسد، این است که آیا امکان اجتماع جهات مخففه قانونی و تکرار جرم وجود دارد؟

در کود جزای افغانستان مقنن در فصل هفتم به بیان تکرار جرم و نحوه تعیین مجازات مرتکبین پرداخته است. اما در این مبحث نیز به تخفیف مجازات متکرر جرم اشاره ای نشده و برای این مسئله می‌توان صرفاً به ماده ۲۱۱ کود جزای افغانستان که به بیان اجتماع احوال مخففه و مشدده پرداخته است، استناد نمود.

اما نکته اساسی در این خصوص آن است که بند (۱) ماده ۲۱۱ این قانون در بیان احوال مشدده قضایی است و به نهادهای قانونی نظیر تکرار جرم اشاره ای نکرده است. اما علیرغم عدم تصریح، امکان اعمال جهات مخففه قانونی در زمینه تکرار جرم منطقی بوده و مطابق با اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد. چرا که با توجه به تفاوت ساختار شخصیتی افراد و نیز انگیزه‌های ارتکاب جرم، عدم اعمال جهات مخففه قانونی در فرض تکرار جرم می‌تواند فرصت‌های اصلاح و بازپروری مجرمین را از بین برده و به مجازات جنبه تنبیه و سرکوب بدهد.

همچنین در خصوص اجتماع جهات مخففه قانونی با تکرار جرم در حقوق کیفری ایران نیز باید بیان کرد که در این خصوص در قانون مجازات سابق هیچ اشاره ای در ماده ۲۲ ذکر نشده بود، فقط در تبصره ۲ همین ماده اعمال کیفیات مخففه را در تعدد جرم بیان کرده بود و در خصوص تکرار جرم مطلبی وجود نداشت. اما با توجه به مواد دیگری که در قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده وجود دارد می‌توان اظهار کرد که در تکرار جرم هم اعمال کیفیات مخففه مجاز است.

همچنین با توجه به ماده ۱۳۹ هرچند به جهات مخففه قانونی اشاره نشده است اما در فرض احراز، باز هم در خصوص مرتکبین قابل اعمال است و در صورتی که مرتکب مشمول تکرار شده و تسلیم به رای گردیده، دادگاه باید همان حکم مشدد را تا یک-چهارم تقلیل دهد. اما تبصره ماده مذکور دامنه این تخفیفات را به کمتر از سه فقره محکومیت قطعی محدود کرده است.

اما سوالی که در اینجا می توان مطرح کرد این است که؛ شخصی که مرتکب تکرار جرم شده و مجازات آن حبس ابد باشد، رعایت مقررات تکرار جرم و اعمال تخفیف در خصوص وی به چه صورت خواهد بود؟

طبق نظر دکتر صانعی با توجه به قانون مجازات عمومی سابق در صورتی که مجازات جرم اخیر حبس ابد باشد دادگاه می تواند، صرف نظر از این که تکرار در جرایم مشابه یا متفاوت صورت گرفته، با وجود کیفیات مخففه مجازات را یک درجه تخفیف دهد و در صورتی که مجازات جرم اخیر حداقل و حداکثر نداشته باشد، یک چهارم از اصل مجازات حبس را تقلیل دهد. [۱۷]

۳.۳ وجود جهات مخففه قانونی و سردستگی

ارتکاب جرم به عنوان رفتار مخل نظم عمومی، مرتکب را در معرض مجازات قرار می دهد. در این میان و به حکم قانون وجود کیفیات یا شرایطی خاصی در جرم ارتكابی و یا مجرم که گاه جنبه عینی و گاه جنبه شخصی دارند، مجرم را با مجازات مشدد مواجه می سازد.

کیفیت مذکور که اسباب تشدید مجازات خوانده می شوند کیفیت و اوصافی هستند که قانونگذار تعیین کرده و دادرس به محض احراز آنها به حداکثر و یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد داد. حال «سردستگی گروه مجرمانه» یکی از این اسباب تشدید مجازات است. [۱۸] چرا که ارتکاب جرم به صورت گروهی، به خصوص گروه سازمان-یافته موجب تجری و گستاخی بیشتر افراد گروه در ارتکاب جرم می شود، به نحوی که شاید هریک از افراد گروه به صورت انفرادی جرئت ارتکاب عمل مجرمانه مزبور را نداشته باشند. علاوه بر تجری و گستاخی در ارتکاب جرم، می توان از نتایج مجرمانه شدید در فرض ارتکاب گروهی صحبت نمود و قانونگذار نیز نوعاً بر اساس شدت خطر حاصل از عمل مجرمانه برای جرم ارتكابی توسط اعضای گروه مجازاتی شدید در نظر می گیرد که این نکته مورد توجه مقنن در افغانستان و ایران قرار گرفته و مجازات سردهسته گروه مجرمانه را در میزان حداکثری تشدید نموده است.

اما سوالی که در این گفتار مطرح می گردد این است که، آیا با توجه به خطرناک بودن ارتکاب جرم در سردستگی، امکان اعمال جهات مخففه قانونی در فرض سردستگی وجود دارد؟

سردستگی و تشدید مجازات آنها در مواد ۶۰ و ۶۱ کودجزای افغانستان مورد اشاره قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۶۰ مقرر می-دارد: سازمانده به یک و نیم برابر حداکثر مجازات جرم مرتکبه محکوم می گردد. مشروط بر اینکه مدت حبس از سی سال تجاوز ننماید.

بنابراین در این قانون، مقنن با در نظر گرفتن سقف مجازات، دامنه تشدید مجازات را بیان نموده اما در هیچ یک از مواد به تخفیف مجازات سردهسته گروه مجرمانه اشاره ای نشده است. برای نمونه؛ بند ۱ ماده ۹ قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان مقرر می دارد: شخصی که سازمان مخفی را به نام جمعیت، هیأت یا گروه به منظور ارتکاب جرایم مندرج فصل اول این قانون تاسیس، تنظیم یا اداره نماید به جزای حبس دوام محکوم می گردد.

همچنین بند ۱ ماده ۲۷۷ کود جزای افغانستان مقرر می دارد: شخصی که به منظور ارتکاب جرایم مندرج در این فصل (جرایم- تروریستی) سازمان تروریستی را تشکیل، نظارت یا رهبری نماید یا اشخاص را استخدام کند به حبس دوام درجه ۱ محکوم می-گردد.

با توجه به مواد فوق الذکر می توان گفت که به دلیل شدت خطری که شخص سازمانده در ارتکاب جرم به شکل سردستگی می تواند برای نظم عمومی جامعه به همراه داشته باشد، مقنن در مباحثی که اصطلاح سازمانده در آنها بکار رفته، جای هیچ گونه تخفیفی قائل نشده است که این امر ناشی از این مسئله است که این افراد علاوه بر رفتار مجرمانه خود، تفکر مجرمانه را در دیگران نیز ایجاد کرده و به آنان قابلیت ارتکاب جرم داده است.

بنابراین از دیدگاه مقنن افغانستانی در مواردی که جرم به صورت سازمان یافته ارتکاب یافته باشد، سازمانده از جهات مخففه قانونی برخوردار نمی شود و اساساً اجتماع جهات مخففه قانونی با سردستگی ممکن نیست هر چند در ماده ۲۱۱ کودجزای افغانستان به اجتماع احوال مشدده و مخففه اشاره کرده ولی در عمل در هیچ یک از مصادیق سازمانده، مقنن جهات مخففه قانونی را پیش بینی نکرده است. لذا اصطلاح احوال مشدده مذکور در ماده ۲۱۱ شامل سردستگی نمی گردد.

همچنین در قانون مجازات اسلامی مقنن در ماده ۱۳۰ در تشدید مجازات سردسته گروه مجرمانه بیان می دارد:

«هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود.»

آنچه که به نظر می رسد، این است که در این قانون در بحث سردستگی به دلیل شدت خطری که این نوع ارتکاب جرم برای جامعه دارد و نیز باعث تجری و گستاخی بیشتر افراد گروه می گردد، هیچ کدام از مصادیق جهات مخففه قانونی به چشم نمی خورد و اساساً از دیدگاه مقنن، سردسته به دلیل اینکه با مجرمیت خود، شرایط ارتکاب جرم را برای دیگران نیز مهیا کرده است، مستحق تخفیف مجازات و سهل گیری در مجازات نمی باشد. اما با توجه به قانون مجازات اسلامی، امکان اعمال جهات مخففه قانونی در همه موارد از جمله سردستگی وجود دارد.

نتیجه گیری

کیفردهی فرآیندی است که با تحمیل مجازات بر مجرم به توان تخطی از قانون، سعی در کنترل خطرات احتمالی آینده از سوی وی دارد. تعیین کیفر برای یک جرم بر مبنای اصل تناسب صورت می گیرد که به موجب آن شدت کیفر باید متناسب با اهمیت رفتار مجرمانه بزهکار باشد. بنابراین وقتی که رفتار مجرم، متضمن خطر جدی برای جامعه است قضات می توانند در تعیین کیفر از اصل تناسب جرم با مجازات عدول کرده و مجازات به مراتب سنگین تری بر مجرم تحمیل کنند. روی دیگر این سکه آن است که با نرمی و مدارا با مجرم ممکن است عدالت و دفاع اجتماعی به نحو بهتری تامین شود.

در قوانین کیفری افغانستان و ایران نیز بحث مفصلی با عنوان مصادیق جهات تشدید مجازات و جهات مخففه قانونی پیش بینی شده است. تا بدین ترتیب مجازات متناسبی با وضعیت هر یک از مرتکبان جرم تعیین گردد. حال با توجه به عنوان پژوهش مسئله اصلی در خصوص این جهات، نحوه اجتماع آنها با یکدیگر می باشد.

در این خصوص به نظر می رسد که با توجه به ماده ۲۱۱ قانون جزای افغانستان که در آن به صراحت به مسئله اجتماع جهات تشدید و تخفیف اشاره شده و نیز نحوه جمع این موارد را تبیین کرده، نسبت به قانون مجازات اسلامی، وضعیت بهتری دارد. چرا که در قانون مجازات اسلامی صرفاً در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی، به امکان اعمال تخفیف در جرایم تعزیری اشاره کرده است و با استناد به اطلاق این ماده می توان قائل به جمع این جهات با هم شد. اما در خصوص جمع میان این جهات به نظر می رسد که تقدم جهات تشدید مجازات بر جهات تخفیف قانونی منطقی تر می باشد. چرا که با اعمال ابتدایی جهات مخففه قانونی و سپس جهات تشدید مجازات، اهداف بازپرورانه تخفیف مجازات زایل می گردد.

در نهایت پیشنهاد می گردد که؛ در قوانین کیفری ایران نیز با استناد به قوانین کیفری افغانستان نحوه جمع جهات تشدید مجازات و جهات مخففه قانونی با هم به روشنی بیان گردد تا بدین ترتیب زمینه اعمال سلايق قضات در عمل از بین رفته و رویه قضایی واحد اتخاذ گردد.

منابع

۱. بریگز، استیون (۱۳۹۷). جرم شناسی، ترجمه: مریم مهذب، چاپ سوم، انتشارات آوند دانش، تهران، ص ۲۰۹
۲. شامبیاتی، هوشنگ (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ص ۱۹۲
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ بیست و هفتم، انتشارات میزان، تهران، ص ۱۷۰
۴. میرزایی، محمدرضا (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی تعدد جرم در حقوق کیفری ایران و افغانستان، دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره شانزدهم، ص ۲۶
۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، تهران، ص ۲۹
۶. جمعی از حقوقدانان افغانستان (۱۳۹۸). شرح کود جزا، جلد اول، چاپ اول، انتشارات بنیاد آسیا، تهران، ص ۹۷
۷. اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ بیست و هفتم، انتشارات میزان، تهران، ص ۱۲۸
۸. کریمی، رضا (۱۳۹۶). تشدید مجازات از نگاه فقه امامیه، حنفیه و حقوق ایران و افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، ص ۶۴
۹. Abadinsky, Howard (۲۰۰۴), Organized Crime, fourth edition, Chicago.p193
۱۰. مالمیر، محمود (۱۳۸۴). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات نقش مانا، اصفهان، ص ۵۸-۵۹
۱۱. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵). بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان، تهران، ص ۳۴۹
۱۲. حیدری، محمدعلی؛ هادیان، مهدی (۱۳۸۹). تخفیف مجازات در حقوق کیفری، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۹
۱۳. آقای نی، حسین (۱۳۸۳). تخفیف مجازات، سلطنت مطلق یا اختیار مقید، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، چاپ اول، انتشارات علوم جنایی، تهران، ص ۱۸۴
۱۴. منصوری، محمدرضا (۱۳۹۳). همگرایی و واگرایی قانون جزای ایران و افغانستان در تعلیق، تعویق و تخفیف مجازات، پایان نامه کارشناسی ارشد، گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، مجتمع آموزش عالی مشهد، جامعه المصطفی العالمیه، ص ۸۳
۱۵. حقانی، جمعه علی؛ بدخش، لعل محمد (۱۴۰۰). سیاست جنایی و شیوه های پیش گیری از جرم در افغانستان، دوفصلنامه یافته های جزا و جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۲۸
۱۶. قدسی، سیدابراهیم و دیگران (۱۴۰۰). پیشگیری از تکرار جرم با حفظ کرامت انسانی بزهکار با نگاهی به آموزه های جرم شناختی، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۵، ص ۲۰
۱۷. صانعی، پرویز (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، انتشارات طرح نو، تهران، ص ۲۱۴
۱۸. تبسم، ادریس (۱۳۹۹). مفهوم تشدید مجازات در کود جزای افغانستان، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال دوم، شماره ۱۸، ص ۵۱